

تعبیر خواب

خوابگزار: مصطفی گلباری
sooshtraa@yahoo.com

دوستانی که خواب خود را به گوشی من تلگرام می کردند، لطفاً فعلاً خواب یا پیام های خود را با پیامک بفرستند.



همه اسامی مستعار است و اگر مشخصاتی که برای بینندگان خواب می نویسم، مانند مشخصات فرد دیگری بود، تصادفی است. اگر کسی می خواهد خوابش چاپ نشود، حتماً تأکید کند که چاپ نشود! و دوستانی که برای تعبیر خواب خود تلفن می کنند، لطفاً فقط یکشنبه ها و سه شنبه ها بین ساعت ۱۵ تا ۱۷ با شماره ۲۹۹۹۳۳۳۴ تماس بگیرند و خواهش می کنم شماره های دیگر مجله را اشغال نکنند. در ضمن خواب خود را قبل از این که برایتان تعبیرش کنم، برای کسی تعریف نکنید زیرا شاید در خواب شمارا زهای باشد که وقتی که تعبیرش را نوشتم، کسانی که خواب را از خودتان شنیده باشند، خواهند فهمید آن رازها مال شماست و خوشتان نیاید.

صندلی شد قطار

زهرابرقار، ۳۹ ساله، متأهل، خانه دار، اراک

خواب دیدم با چند نفر از دوستان در راه بودیم. من آن راه را بلد نبودم. یکی از آن خانمها به من گفت از این راه بریم نزدیکتره. یکهو دیدم تنها هستم. انگار آنها را گم کرده بودم یا خودم گم شده بودم. بعد مسجد خیلی بزرگی دیدم. از کنارش رد شدم. دیدم کنارش صندلی دارد. نشستم تا شاید دوستانم را پیدا کنم. یکهو آن صندلی به قطار تبدیل شد. من تنها مسافر ش بودم. پنجره نداشتم. چادرم روی صندلی جاماند. عینکم افتاد. روسری مشکمی ام هم افتاد. من ماندم بی حجاب و ناراحت شدم. دیدم یک چادر سفید کنارم هست. آن را سرم کردم. قطار می رفت. امانی دادم به کجا!

تعبیر: آغازین خواب اشاره می کند که شما در بیداری نمی توانید به سمت هدفهایتان حرکت کنید. تا حدودی خجالتی و وابسته هستید. یکی از خانمها

گفت از این راه بریم نزدیکتره. این یعنی شما برای رسیدن به هدف، مسیرهای دورتر و مشکلمتری انتخاب می کنید و یعنی دیگران برای شما تصمیم می گیرند. در خواب گم شدید و این یعنی احساس تنهایی می کنید. مسجد نماد پشتگرمی شماست در بیداری ولی در خواب از کنارش گذشتید. صندلی شد قطار و شما را برد. چادر و روسری نماد زندگی بیداری شماست که آنها را از دست دادید. عینک هم نماد پنجره و دیدگاهی است که از آن به دنیا نگاه می کنید. آن راهم از دست دادید و اینها یعنی از فلسفه و دیدگاه خودتان راضی نیستید. شاید هم به شک افتاده اید. در خواب احساس ناامنی می کنید و انگار همان دنیای بیداری را بهتر می دانید برای همین است که چادر پیدا می کنید. این چادر سفید است و تعبیرش این است که می خواهید از نو صاحب تفکر و دیدگاه شوید. قطار به سوی مقصدی ناشناس حرکت می کند که به معنی همان سرگردانی بیداری است. پیشنهاد می کنم فارغ از خواسته ها و تفکرات دیگران برای خودتان هدف تعیین کنید.

زندگی در خواب

معصومه ساتری، ۳۰ ساله، متأهل، خانه دار، مازندران

در مازندران جایی هست به اسم هزار جریب. روستاهای زیادی دارد. یک مزار قدیمی هم دارد به اسم سفید چاه که اجدادم در آن دفن هستند. بالاتر از سفید چاه روستایی هست که پدر بزرگم در آن خانه های ساخته که بیشتر از شصت سال قدمت دارد. من از آنجا کلی خاطره خوب کودکی دارم. دو سه ماه است که خواب می بینم در آن روستا زندگی می کنم. خوابهای طولانی و خیلی زنده. در هر خواب چندین روز و شب در خواب زندگی می کنم. از چشمه آب می آورم. به خانه فامیل ها می روم، کار و آشپزی می کنم. به خانه همسایه ها سر می زنم، منتظر می مانم دخترم از مدرسه برگردد، گاهی دیر می کند و نگرانش می شوم، گاهی برای بردن وسایل به جنگل می روم و گم می شوم، گاهی دخترم را گم می کنم، ولی کلاً در آن خوابها زندگی خیلی خوب و خوشی دارم. تازگی ها خوابهایم کمی فرق کرده و وقتی بیدار می شوم، می ترسم. همه فامیل در خوابم هستند. در کوچه به خانه های قدیمی با حسرت نگاه می کنم. کنار خانه پیرزنی که می دانم مرده، می ایستم و به همسرم می گویم بگذار بروم برای آخرین بار اورا ببینم. در زدم. تعارف کردند و داخل شدم. نوه هایم آنجا بودند. از پیرزن پرسیدم مرا می شناسی؟ نشانی دادم و یادش

آمد. جای آورد. به در و دیوار آن خانه قدیمی با حسرت نگاه می کردم. انگار بار آخر است که آنجا می بینم. در خواب اصلاً ناراحت نیستم ولی این آخرها با ترس بیدار می شوم. هر شب همین که خوابم می برد وارد آن زندگی می شوم.

تعبیر:

کسانی که بلند پرواز هستند و در بیداری به آرزوهای خودشان نرسیده اند و یا کسانی که از زندگی خودشان راضی نیستند، ممکن است در خواب زندگی کنند. اوایل قرن بیستم که مردم زیاد از این خوابها می دیدند، نویسندگان قصه های تخیلی داستانهایی می نوشتند که شخصیت قصه نمی دانست زندگی واقعی او همان است که در خواب می بیند یا برعکس. واقعیت این است که یکی از وظایف خواب دادن آرامش است بنابراین کاستی ها و نیازهای ما در خواب جبران می شود. شما هم در بیداری از آنچه که دارید، راضی نیستید و چون در کودکی از آن منطقه خاطرات خوبی دارید، در خواب آنجا می روید و زندگی می کنید و خوشحال و راضی هستید. حالاً مدتی است که گرچه در خواب باز هم رضایت دارید، وقتی بیدار می شوید، ترس دارید. می تواند دلیلش این باشد که از بیدار شدن هراس دارید چون وقتی بیدار می شوید، می فهمید لذتی که در خواب داشتید، خواب است و واقعیت ندارد. پیشنهاد می کنم با زندگی بیداری خود ارتباط بگیرید و روی نکته های مثبت آن تکیه کنید.

عروسی در ماه صفر

هاجر رضویا، ۶۰ ساله، مطلقه، بازنشسته ارتش، تهران

روز بعد از ۲۸ صفر خواب دیدم لباس عروسی پوشیدم و آرایش عروس هم دارم. قدم می زدم و لباسم را نگاه می کردم. یادم افتاد ۲۸ صفر نزدیک است و خیلی ناراحت شدم. فوراً صورتم را شستم و آرایش رایبک کردم. چادر گلدار سرم کردم و لباس عروسی زیر چادر رفتم. توضیح می دهم که پسری دارم که زن عقد کرده دارم و در شرف عروسی است ولی وضع مالی او یکهو خراب و بیکار شد. حالاً شرایط عروسی گرفتاریم ولی خودش و خانمش انتظار عروسی مجلل دارند. نمی دانم

تعبیر: همان طور که خودتان حدس زده اید، این خواب را با الهام از ماجرای پسر و عروستان دیده اید. لباس عروسی و ۲۸ صفر در خواب شما به معنی بروز مشکلاتی است. برخی از این مشکلات مال خود شماست، بخشی هم مال پسران. آن چادر به معنی کارها یا وسایلی است که برای پوشاندن مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی خودتان از آنها استفاده می کنید. از طرفی این خواب می گوید از عروسی خودتان زیاد راضی نبوده اید. امیدوارم مشکلات اقتصادی پسران برطرف شود و عروسی بگیرد و امیدوارم او و همسرش درک کنند که در برخی از شرایط و موقعیتهای عروسی مجلل به صلاح نیست.